

السيرة الفلسفية

و پاره های از دو اثر دیگر

ابوبکر محمد بن زکریای رازی

تصحیح پول کرواس ترجمه عباس اقبال

همراه مدخل ابوبکر رازی از دانشنامه فلسفه استنفورد

به قلم پیتر آدامسون

ترجمه و تنظیم سلمان مصطفی







www.molapub.com



[molapub](https://t.me/molapub)



<https://t.me/molapub>

الفلسفة السيرة

و پاره پانی از دو اثر دیگر

ابوبکر محمد بن زکریای رازی

تصحیح پل کراوس ترجمہ عباس اقبال

بہمراہ مدخل ابوبکر رازی از دانشنامہ فلسفہ استغفور

بہ قلم پستیر آدمسون

ترجمہ و تنظیم سلمان مہنید



انتشارات ملی

میراثنامه: رازی، محمد بن زکریا، ۲۵۱ - ۳۲۷ ق.
 Razi, Abū Bakr Muhammad ibn Zakariyya
 عنوان قرارداد: سیرة الفلسفية - رازی، محمد بن زکریا، ترجمه عباس اقبال
 عنوان و نام پانزدهم: سیرة الفلسفية و رازی، محمد بن زکریا، ترجمه عباس اقبال
 به اهتمام مدخل: ابوبکر محمد بن زکریا، ترجمه و تنظیم سلمان مفید
 مشخصات نشر: تهران، مولى، ۱۳۹۵، ج ۱ - ۱۲۰۲
 مشخصات ظاهری: آبی، زردی، ۸۵ ص، ۱۷۴×۲۵۱ میلی.
 شابک: 978-600-339-192-5
 وضعیت فهرست نویسی: آبی
 یادداشت: کتابخانه: ۱۲۱ - ۲۷۰۰۰۰۰۰ به صورت زیر نویس
 یادداشت: سایر
 عنوان دیگر: فلسفه اوستافورد
 موضوع: رازی، محمد بن زکریا، ۲۵۱ - ۳۲۷ ق.
 موضوع: Razi, Abū Bakr Muhammad ibn Zakariyya
 موضوع: فلسفه اسلامی - قرن ۳ ق
 Islamic philosophy -- Early works to 20th century
 فلسفه - تاریخ اسلام
 Philosophy -- Encyclopedias
 فیلسوفان - سرگشتگی - تاریخ اسلام
 Philosophers -- Biography -- Encyclopedias
 شناسه افزوده: کراوس، پول، ۱۹۰۲ - ۱۹۲۲ م، مصحح، مقدمه نویسنده
 شناسه افزوده: Kraus, Paul
 شناسه افزوده: اقبال، آشتی، ۱۳۲۵ - ۱۳۲۲ م، مترجم
 شناسه افزوده: اقبال، آشتی، ۱۳۲۲ - ۱۳۲۲ م
 شناسه افزوده: Adamson, Peter
 شناسه افزوده: اوستافورد، سلمان، ۱۳۲۹ - ۱۳۲۹ م، گردآورنده
 رده بندی کنگره: DBR۰۲
 رده بندی دیویی: ۱۸۹۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۰۶۶۵۰
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: آبی



انتشارات مولی

تهران: خیابان انقلاب - چهارراه ابوریحان - شماره ۱۱۵۸، تلفن: ۶۶۴۰۹۲۴۳ - نمایر: ۶۶۴۰۰۰۷۹

وب سایت: www.molapub.ir • اینستاگرام: molapub • تلگرام: molapub • ایمیل: molapub@yahoo.com

السيرة الفلسفية و پاره‌هایی از دو اثر دیگر • ابوبکر محمد بن زکریای رازی

تصحیح و مقدمه: پول کراوس • ترجمه: عباس اقبال

به همراه مدخل: «ابوبکر رازی» از: دانشنامه فلسفه اوستافورد به‌قلم پیترو آدامسون • ترجمه و تنظیم: سلمان مفید

چاپ اول: ۱۴۰۲ = ۱۴۴۵ • ۲۰۰ نسخه • ۳۹۴/۱
 ۴۰۲

شابک: ۵-۱۹۲-۳۳۹-۶۰۰-۹۷۸ ISBN: 978-600-339-192-5

طرح جلد: الهام رضایی • حروفچینی: دریچه کتاب

کلیه حقوق مربوط به این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات مولی است



فهرست

هفت	درباره کتاب حاضر
نه	ابوبکر رازی (مدخل دانشنامه فلسفه استنفورد)
	السيرة الفلسفية
بیست و شش	مقدمه پول کراوس
۱	متن عربی
۱۰	ترجمه فارسی
۲۲	پاره‌هایی از «کتاب لذت»
۲۲	مقدمه پول کراوس
۲۸	گزارش ناصر خسرو از «کتاب لذت»
۳۸	بیان درباره نفس و عالم
	مقدمه پول کراوس
۳۸	گزارش ناصر خسرو
۴۰	گزارشی دیگر از ناصر خسرو
۴۰	گزارش فخرالدین محمد بن عمر رازی
۴۱	گزارش ابن سینا در پاسخ نامه ابوریحان بیرونی
۴۲	فهرست منابع
۴۸	فهرست اشخاص
۵۰	فهرست کتابها

درباره کتاب حاضر

ترجمه «السيرة الفلسفية» نخستین بار در سال ۱۳۱۵ منتشر شد، و پس از آن تا به امروز چندین نوبت منتشر شده است. در چاپ حاضر افزون بر انتشار مجدد متن عربی و ترجمه عباس اقبال از آن با ویرایشی صوری، بخش‌هایی را به کتاب افزوده‌ایم تا کتاب برای خواننده امروزی نافع‌تر باشد:

۱- مدخل مربوط به رازی از دانشنامه فلسفه استنفورد را با عنوان «ابوبکر رازی» ترجمه کرده و در ابتدای کتاب قرار داده‌ایم. این بخش مقدمه‌ای مختصر و سودمند درباره آثار رازی و موضوعات کلی مطرح شده در آن‌ها است، و با نگاهی فلسفه‌پژوهانه نوشته شده. نویسنده این مدخل، پیتز آدامسون از رازی‌پژوهان معاصر است و آثار منتشر شده دیگری نیز در این باب نگاشته. کتاب‌شناسی و منابع فراهم آورده او در پایان این بخش، برای مطالعه بیش‌تر (البته در زمان نگارش ما، به زبان‌های عربی و انگلیسی) بسیار راه‌گشاست. در برخی موارد سعی کرده‌ایم این کتاب‌شناسی را با آثار منتشر شده در ایران تطبیق دهیم؛ و البته فهرستی هم در پایان کتاب فراهم آورده‌ایم از این آثار.

۲- دو بخش دیگر افزوده شده به کتاب پاره‌هایی از آثار رازی است که امروز در دست نیست؛ و صرفاً نقل قول‌های دیگران از آن‌ها به ما رسیده است. این آثار را پول کراوس ضمن رسائل فلسفی رازی تدوین و منتشر کرد. در کتاب حاضر مقدمه عربی و بخش‌های عربی نقل قول‌ها را ترجمه کرده‌ایم، و متن‌های فارسی را ویراسته‌ایم. قسمت‌های فارسی نقل شده از ناصر خسرو است، و مابقی نقل‌ها به زبان عربی است.

۳- در پایان نیز فهرست اعلام و اصطلاحات کتاب را تدوین کرده‌ایم تا یافتن مباحث در کتاب برای پژوهنده ساده باشد. فهرست منابع تدوین شده بر اساس مباحث مطرح شده

در کتاب حاضر است، و نباید به آن به مثابه فهرست منابع رازی پژوهی نگریست. مطابق «حياة العلم بالنقد والرد»، امیدواریم انتشار کتاب حاضر باب نقد و نظر دربارهٔ رازی را در زبان فارسی رونق دهد؛ و دیگر رسائل و آثار رازی به زبان فارسی ترجمه شود.

سلمان مفید - بهمن ۱۴۰۱

ابوبکر رازی

از دانشنامه فلسفه استنفورد

نوشته پیتر آدامسون

ابوبکر رازی (۸۶۵-۹۲۵ م، ۲۵۱-۳۱۳ ق) از شخصیت‌های بزرگ تاریخ پزشکی و فلسوفی بحث‌انگیز در میان فلاسفه تمدن اسلامی بود. در حالی که شواهد و منابع مکتوب متعددی درباره نظریات پزشکی او در دست است، اکثر نظریه‌های فلسفی او براساس گزارش دیگران و به صورت غیرمستقیم گرد هم می‌آیند، آن هم گزارش نویسندگانی که معمولاً موضعی مخالف با رازی برگزیده‌اند. به نظر می‌رسد این موضوع با نقد‌کننده رازی از دین در ارتباط باشد، و البته آموزه او مبنی بر ساخته شدن عالم از پنج قدیم (قدمای خمسه): باری، نفس، هیولی، مکان و زمان. با این حال ما به شاخه اخلاق فلسفه او دسترسی مستقیم داریم. «اخلاق» نزد رازی در کتاب «طب روحانی» و اثر مختصرتر «السيرة الفلسفية» ارائه شده، و اثر اخیر پاسخی کوتاه به منتقدان اوست. باید توجه کرد که ابوبکر رازی را نباید با سایر فلاسفه اهل ری - که آن‌ها نیز «رازی» نامیده می‌شوند - اشتباه گرفت؛ مشهورترین آن‌ها فخرالدین رازی است که قرن‌ها بعد می‌زیست.

زندگی و آثار

ابوبکر محمدبن زکریای رازی بیش‌تر در مقام پزشک مشهور شد. چنان‌که نامش نشان می‌دهد، او اهل شهر «ری» ایران، در نزدیکی تهران امروز بود. زندگینامه‌نویسان او گزارش کرده‌اند که رازی بیمارستانی در ری، و بیمارستانی در بغداد را به راه انداخت و اداره می‌کرد. او از حمایت ابوصالح المنصور (متوفی ۳۰۲ ق)، حاکم ری برخوردار بود؛ و کتاب

مهم خود در پزشکی، طب منصوری را به او تقدیم کرد. حکایت‌های مختلفی درباره طبابت رازی در آثار خودش و زندگینامه‌نویسان قرون میانی برجا مانده است. برای نمونه، رازی تنها بیمارانی را می‌پذیرفت که وضعیتشان شاگردانش را سرگردان کرده بود. هم‌چنین ما می‌دانیم که او بر اثر خواندن، نوشتن و نسخه‌برداری مداوم دچار مشکلات چشم و آسیب در دست شده بود. اطلاعات اخیر در کتاب *السيرة الفلسفية* آمده است. این کتاب در مقام نخستین متنی که از رازی خوانده شود، انتخاب خوبی است.^۱ در این کتاب رازی اتهام ریاکاری را در ادعای الگوبرداری از سبک زندگی سقراط رد می‌کند؛ چرا که مطابق باور زمانه‌اش سقراط زندگی به شدت زاهدانه‌ای داشته، و رازی چنین نبود.^۲ رازی در پاسخ بیان می‌کند که گزارش‌های دربردارنده سبک زندگی زاهدانه سقراط در نسبت دادن گزارش‌ها به دیوژن کلبی و سقراط دچار سرگردانی است، و همه داستان را هم بیان نمی‌کند؛ چرا که سقراط در دوران پختگی خود سبک زندگی اعتدالی را در پیش گرفت؛ و رازی نیز پیرو این الگو بود.

السيرة الفلسفية یکی از دو کتاب کامل باقی مانده از رازی است که منحصرأ به موضوعی فلسفی اختصاص دارد. کتاب دیگر به «اخلاق» می‌پردازد. طب روحانی^۳ کتابی مفصل‌تر است و دربردارنده توصیه‌های اخلاقی، که رازی به عنوان مکمل طب منصوری به حامی خود تقدیم کرد. در این کتاب رازی در ادامه بیان خود در مداوای تن، مداوای روح را ارائه می‌کند.^۴ سوای این دو، مهم‌ترین اثر باقی مانده از فلسفه رازی *الشکوک علی جالینوس* است.^۵ رازی جالینوس را بزرگ‌ترین صاحب‌نظر عرصه پزشکی می‌دانست اما مطابق موضع نقادانه جالینوس در برابر اسلافش و در بررسی میراث مکتوبی که از جالینوس به عربی ترجمه شده بود، خود را در نقد بخش‌های ضعیف آزاد

۱. چاپ متن عربی *السيرة الفلسفية* در: «رسائل فلسفية؛ تصحیح پل کراوس؛ قاهره: ۱۹۳۹»؛ و بازنشر آن با ترجمه فارسی در کتاب پیش رو.

۲. منبع شماره ۴۲ را ببینید.

۳. چاپ متن عربی *الطب الروحاني* در: «رسائل فلسفية؛ تصحیح پل کراوس؛ قاهره: ۱۹۳۹»؛ و بازنشر آن در کتاب «الدراسة التحليلية لكتاب الطب الروحاني» به کوشش مهدی محقق؛ تهران: ۱۳۷۸.

۴. منبع شماره ۵.

۵. چاپ متن عربی کتاب و ترجمه فرانسوی آن در منبع «ه»؛ و چاپ دیگر متن عربی: تصحیح مهدی محقق؛ تهران: ۱۳۸۵.

می‌دید. با این که تعدادی از این نکته‌ها به ساحت پزشکی مربوط است، اما الشکوک طیف وسیعی از مسائل فلسفی را نیز دربرمی‌گیرد، چنان که در ادامه اشاره می‌کنیم. سوای آن چه گفتیم، مکتوبات موجود از رازی اغلب در حوزه پزشکی است. از جمله تعدادی رساله‌های کوچک، مانند متنی مشهور درباره تفاوت آبله و سرخک (کتاب الجذری و الحصبة)^۱ و کتاب عظیم الحاوی، مجموعه‌ای خیره‌کننده از یادداشت‌های پزشکی او که شاگردانش پس از مرگ او گرد آوردند. گاه کتاب الحاوی را «یادداشت‌های موردی» رازی از بیمارانش قلمداد کرده‌اند. با این که گزارش رازی از بیمارانش در کتاب الحاوی یافت می‌شود، اما صحیح‌تر آن است که الحاوی را گزیده‌هایی از منابع پزشکی به زبان عربی و یونانی بدانیم. هنگامی که رازی در این کتاب «یادداشت‌های موردی» را از پرونده‌های بیمارانش نقل می‌کند، مقصودش ارائه مثال نقض، یا شرح و بسط، یا نمونه‌ای حاضر برای مدارک و شواهد مکتوب است.^۲ چنان که به کرات بیان شده، به رغم انتقادهای تند رازی از اشتباه‌های جالینوس در الشکوک، نظریه‌های پزشکی رازی عمدتاً ذیل چارچوب جالینوسی قرار می‌گیرد؛ و بنابراین از مفاهیم معیاری چون اخلاط چهارگانه، قوای طبیعی بدن، و نقش روح (یا نفس) در توضیح احساسات و حرکت حیوانات استفاده می‌کند.

واپسین گروه از آثار رازی که امروز به ما رسیده درباره علم شیمی (کیمیا) است.^۳ رازی شیمی‌دانی تجربی بود، و طیف گسترده‌ای از روش‌های شیمیایی را به تفصیل توصیف می‌کند که هدف همگی آن‌ها تولید مواد معدنی و سنگ‌های گران‌بها یا شبیه به آن‌ها است. ممکن است نظریه جزء لایتجزای ماده (اتم) نزد او پایه‌ای برای درک این فرآیندها فراهم کند. دگرگونی شیمیایی متضمن درهم شکستن ترکیب مواد به ترکیب‌هایی ابتدایی و ساده‌تر، و سپس ترکیب مجدد آن‌ها با تناسبی دیگر برای دست یافتن به هدف پیش‌بینی شده است.^۴

فراتر از این آثار باقی مانده، گزارش‌هایی از فهرست آثار رازی در دست است که

۱. متن عربی چاپ بیروت: ۱۸۷۲، تصحیح کورنلیوس وان آلن وایک؛ ترجمه فارسی به قلم محمود نجم‌آبادی؛ تهران: ۱۳۷۱؛ و ترجمه انگلیسی در منبع «ج».

۲. منبع شماره ۳۸. ۳. منبع شماره ۳۷.

۴. منبع شماره ۲۸؛ جلد دوم؛ ص ۱۰-۱۱؛ منبع شماره ۶؛ ص ۹۶-۹۸.

نویسندگان پس از او نگاشته‌اند. این نوشته‌ها مؤید آثار فراوان رازی در زمینه‌های پزشکی، فلسفه، شیمی و هم‌چنین ریاضیات، منطق و شعر هستند. چشم‌گیرتر از همه آثار او، آثاری است که در آن به بحث دربارهٔ دین، و به‌ویژه نبوت می‌پردازد. این مسأله در عناوینی چون *مخاریق الانبیاء*، *فی حیل المتنبین* و *فی وجوب دعوة النبی* دیده می‌شود؛ و نشان می‌دهد که او به رد ادعای پیامبران دروغین و در عین حال حقانیت پیامبران راستین علاقه داشته است. اما در گزارش‌های نویسندگان دیگر، تصویری اساساً ضد دین از رازی ارائه می‌شود که وحی و نبوت را رد کرده است. این امر به ویژه دربارهٔ همشهری معاصر رازی، ابوحاتم رازی (متوفی ۳۲۲ ق) صادق است. در کتاب *اعلام النبوة* ابوحاتم مناظرهٔ رودرروی خود با رازی را بازگو می‌کند؛ و سپس رساله‌ای از رازی را خلاصه می‌کند که درصدد بر ملا کردن چهرهٔ دروغین همهٔ سنت‌های دینی است، و به صورت مشروح آن را رد می‌کند.^۱

در کنار ابوحاتم رازی، دو منبع دیگر برای بازسازی جهان‌شناسی رازی بسیار مهمند. نخستین آن‌ها ناصر خسرو (متوفی ۴۸۱ ق) است که گزارشی از جهان‌شناسی رازی را در کتاب *زاد المسافرین*^۲ خود به زبان فارسی آورده تا آن را رد کند. دومین آن‌ها یک رازی دیگر است: فیلسوف و متکلم مشهور، فخرالدین رازی، در کتاب *المطالب العالیة من العلم الالهی*^۳. از این آثار و چند منبع انگشت‌شمار دیگر، می‌توانیم به میزانی چشم‌گیر جزئیات نظریهٔ رازی را تکمیل کنیم: پنج عنصر قدیم گرد هم می‌آیند تا جهان را پدید آورند: باری، نفس، هیولی، زمان و مکان. ابوحاتم رازی و ناصر خسرو این نظریه را انحرافی هراس‌انگیز از اسلام معرفی می‌کنند، زیرا چهار اصل قدیم را در کنار باری فرض کرده است.

۱. چاپ متن عربی *اعلام النبوة* با تصحیح صلاح الصاوی و غلامرضا اعوانی؛ تهران: ۱۳۶۰؛ و ترجمهٔ انگلیسی آن در منبع «و»؛ و ترجمه‌ای فارسی از کتاب به قلم علی‌اکبر واعظ موسوی؛ تهران: ۱۳۷۷.
۲. منبع «ل» و «الف». دو چاپ متن این کتاب در ایران: - *زاد المسافرین*، تصحیح محمد عمادی حائری، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۴؛ و چاپ دیگر: *زاد المسافرین*؛ تصحیح محمد بذل الرحمن؛ اساطیر؛ تهران: ۱۳۸۳. چاپ اخیر چاپ افست از چاپ قدیمی ترکتاب در ۱۳۴۱ ق، برلین است.
۳. منبع «ز»: «المطالب العالیة من العلم الالهی»؛ فخرالدین رازی؛ تحقیق احمد حجازی السقا؛ بیروت: ۱۹۸۷.

قدمای خمسه (پنج اصل قدیم)

برخی گزارش‌ها از رازی برآنند که رازی قدمای خمسه را واجد ساختاری نظام‌مند می‌دانست: باری و نفس فعال و زنده‌اند، هیولی منفعل و غیرزنده، و زمان و مکان نه فاعل، نه منفعل و نه زنده. اما این طرح به نظر نمی‌رسد بتواند همه امکانات منطقی ممکن را اقناع کند. بنابراین رازی برای هر یک از این پنج اصل به صورت جداگانه استدلال می‌کند. وجود باری (اصل نخست) براساس طرح‌ریزی نیکوی جهان نشان داده شده، و چهار عنصر دیگر بحث‌انگیزترند.

درحالی که از نفس به عنوان منبع حیات در بدن یاد می‌شود، کارکرد اصلی آن در فلسفه رازی تسهیل تئودیهی متمايز است. وجود رنجی بزرگ در جهان، در کنار طرح‌ریزی نیکوی آن، که بیان شد؛ نشانگر این است که جهان نمی‌تواند مستقیماً مخلوق باری باشد. افزون بر این، رازی به استدلالی سنتی علیه قدم جهان توجه می‌کند: این که باری کاملاً منطقی و عاقل نمی‌تواند به دلخواه لحظه‌ای را برای آغاز موجودیت جهان برگزیند. هر دو مشکل با فرض «نفس» جاهل در کنار باری عاقل و حکیم حل می‌شود. نفس میل، اشتیاق یا حتی نوعی «عشق» به آمیخته شدن با هیولی دارد که آغازگر فرآیند آفرینش جهان است. باری تعالی مداخله می‌کند تا جهان را به بهترین شکل ممکن بنا نهد، اما زندگی جسمانی ما به نحوی گریزناپذیر هم‌چنان پردرد است.

پرسشی که در این جا مطرح می‌شود این است که چرا باری تعالی مانع از آمیختن نفس و هیولی نمی‌شود، اگر این انگاره بداست؟ توضیح رازی این است که باری اجازه این اتفاق را به مثابه تجربه‌ای آموزشی برای نفس صادر می‌کند.^۱ باری عطیۀ عقل را به نفس ارزانی می‌دارد تا نفس با بهره بردن از آن پویایی خود را در جهت‌رهایی‌اش از پیوند نابخردانه با هیولی قرار دهد.^۲ گزارش‌هایی در دست است از تمثیل‌هایی که رازی برای توضیح این مسئله بیان کرده: پدر عاقل ممکن است به فرزند بی‌تجربه خود اجازه دهد تا به کشوری خطرناک سفر کند، اما مشاور خوبی را نیز با او می‌فرستد (یعنی عقل^۳). به همین ترتیب، پدر خردمند ممکن است به فرزند جاهل خود اجازه دهد که به باغی

۱. منبع شماره ۱۷.

۲. منبع شماره ۱۲.

۳. منبع «ز»: «المطالب العالیة من العلم الالهی»، جلد ۴، ص ۴۱۶.

دل انگیز و پر از خار و حشرات گزنده برود، تا به فرزند درس عبرت بدهد.^۱ این تئودیهسه راه را برای درک غایت پایانی ما نشان می‌دهد؛ گریز از عالم هیولانی و دست یافتن به «رهایی» (یا آزادی) از طریق سبک زندگی متعادل و ممارست در فلسفه.

هیولئی، مکان و زمان، همگی این قداما برای فراهم آمدن امکان تشکیل جهان مورد نیازند.^۲ رازی بر این باور است که پیش از پدید آمدن جهان باید مقدیری موجود باشد، سوای آن چه پدید آمده است. چنان که ناصر خسرو^۳ نقل می‌کند، رازی خلقت از عدم را غیر ممکن قلمداد می‌کند. او در این باره استدلال می‌کند که ما دائماً پدید آمدن تدریجی و فرآیندهای طولانی رشد را می‌بینیم، گرچه تجلی و ظهور آنی بسیار آسان تر و متضمن رنج کمتری است؛ و نیاز به زایمان و سپس رشد تا بلوغ و رسیدن به کمال را مثال می‌زند. نکته او در این باب این است که باری تعالی باعث رخ دادن این اتفاقات نیست؛ و اگر می‌توانست، چنان می‌کرد که آدمی از عدم پدید آید. زمان و مکان نیز به دلیل مشابهی لازمند. زمان را نمی‌توان آفرید، زیرا آفرینش آن باید در یک «زمان» اتفاق بیفتد؛ و مکان را نمی‌توان خلق کرد، زیرا باید پیش از آن جایی برای قرار دادنش موجود باشد.

برداشت رازی از هیولئی در میان فلاسفه جهان اسلام که در آغاز راه پاسخ به سنت فلسفی یونان بودند، معمولی نبود. کمابیش همه آن‌ها، از کندی (متوفی ۲۵۶ ق) تا فارابی (متوفی ۳۳۹ ق)، ابن سینا (متوفی ۴۱۶ ق) و ابن رشد (متوفی ۵۹۵ ق)، بر تلقی ارسطویی از اجسام به عنوان پذیرای بالقوه تقسیم نامحدود صحنه می‌گذارند. در مقابل، رازی قائل به جزء لایتجزا برای اجسام است.^۴ او معتقد است که چهار عنصر (یا احتمالاً پنج؛ منابع روشنی در اختیار ما نیست که بدانیم آیا او افلاک را پدید آمده از یک عنصر پنجم متمایز می‌داند یا نه) در خصایص و ویژگی‌هایشان به دلیل تفاوت در نسبت جزء لایتجزا (= اتم) به خلاء (فضای خالی) متفاوتند. بنابراین خاک که خلاء کمی دارد، یا به کل خلاء ندارد، تاریک، سرد و چگال است و به سمت پایین حرکت می‌کند. آتش درخشان، داغ و نامحسوس (با چگالی کم‌تر) است و به سوی بالا حرکت می‌کند. این‌ها دقیقاً «عناصر» نیستند، بلکه فقط ترکیب‌هایی اساسی از اجزاء لایتجزا، و به مثابه اصول

۱. منبع «و»: اعلام النبوة؛ ص ۱۸-۱۹.

۲. منبع شماره ۱۶ را ببینید.

۳. منبع «ل»: زاد المسافر؛ ص ۷۵.

۴. منبع‌های شماره ۳۳ و ۸ و ۲۹.

بنیادین هستند. گرچه برخی متفکران مسلمان معاصر رازی نیز قائل به جزء لایتجزا بودند^۱، اما نظریه رازی در برخی جنبه‌ها با آنان تفاوت داشت؛ و ما می‌دانیم که او درباره هیولی با متألهی به نام احمد بن الحسن بن سهل المصمعی (معروف به ابوزرقان) مناظره کرده است.

رازی به جزء لایتجزا با عنوان «هیولی مطلق» اشاره می‌کند. اصطلاح «مطلق» در توصیف او از دو اصل دیگر نیز تکرار می‌شود: «زمان مطلق» و «مکان مطلق». این دو به ترتیب به «دهر» یا «مدت» و «خلاء» نیز مشهورند. چنان که از گزارش مناظره با ابوحاتم رازی درمی‌یابیم، رازی بر آن است که بر استقلال زمان و مکان از اجسام، یعنی ترکیب‌های اجزاء لایتجزا تأکید کند.^۲ «زمان» به خودی خود مدتی ابدی است که وقایع (از جمله آفرینش جهان) و حرکات در طول این مدت اتفاق می‌افتد. هم‌چنین «مکان» به خودی خود خلاء لایتناهی است، که جهان جسمانی محدود در آن قرار می‌گیرد. چنان که گفته شده، خلاء در جهان وجود دارد (حداقل به صورت میکروسکوپی)، چرا که ترکیب آن با هیولی تنوع در میان عناصر را توضیح می‌دهد.

نظریه‌های رازی را می‌توان به نحوی ثمربخش با نظریه‌های متضاد ارسطو مقایسه کرد. می‌دانیم که رازی با کتاب *سماع طبیعی* ارسطو آشنا بوده، چرا که خودش در *السیرة الفلسفیه* بیان کرده است. نزد ارسطو زمان و مکان پدیده‌هایی وابسته و عارضی هستند: «مکان» سرحد درونی جسم است که جسمی را دربر دارد که در مکان است؛ و «زمان» مقدار حرکت است. برخلاف ارسطو، رازی مکان - زمان را مستقل می‌پندارد. به عنوان نمونه، او آزمایشی فرضی مطرح می‌کند که اگر جهان از بین برود، مکان آن برجای ماند (نظریه مشابهی را فیلوپونوس در *شرح سماع طبیعی* (فیزیک) ارسطو بیان کرده است).^۳ با این حال توجه رازی به *سماع طبیعی* ارسطو بیش از رد کردن صرف است^۴؛ چرا که او می‌پذیرد که بحث از زمان و مکان نسبی ممکن است، که به ترتیب می‌تواند زمان و مکان یک حرکت خاص یا یک جسم خاص باشد. برای نمونه یک «سال» بخشی مشخص از زمان ابدی است که حرکت خورشید را در امتداد دایرة البروج اندازه‌گیری

۲. منبع «و»: اعلام النبوة؛ ص ۱۲.

۴. منبع شماره ۶؛ بخش پنجم.

۱. منبع شماره ۱۱.

۳. منبع «ط»، ص ۳۶؛ منبع «ح»، ص ۵۷۴.

می‌کند؛ در حالی که مکان یک توپ حد منطقهٔ خلاء اشغال شده با توپ است. هم‌چنین رازی عناصر مقبول ارسطویی خاک، آب، هوا و آتش را در مباحث خود به کار می‌برد، و شاید «اثیر» را در جهان‌شناسی خود مقبول بداند؛ اما آن‌ها را به عنوان عناصر بنیادین نمی‌پذیرد. چنان‌که دیدیم، عنصر حقیقی بنیادین که زیربنای آن‌ها قلمداد می‌شود جزء لایتجزا است.

بنابراین ارسطو توانست اصول اصیل سماع طبیعی (فیزیک) را سامان دهد، اما صرفاً اصولی نسبی، که باید در چارچوبی اساسی تر درک شوند. از نظر رازی، افلاطون به طرح این چارچوب نزدیک‌تر شده بود. ابوحاتم نقل می‌کند که رازی به او چنین گفته است: «دربارهٔ مسئلهٔ زمان آن‌چه افلاطون می‌گوید بسیار متفاوت است با آن‌چه من بدان معتقدم؛ و [البته] به نظر من بیان او بهترین سخنی است که دربارهٔ این مسئله گفته شده است.»^۱ متنی که رازی در ذهن دارد، رسالهٔ تیمائوس افلاطون است که آن را به واسطهٔ جالینوس می‌شناخت.^۲ افلاطون در این رساله به همین‌سان با فرض هیولی قدیم شکل‌گیری جهان را توضیح می‌دهد. به تعبیری نیز می‌توان از این رساله زمان و مکان را پیش از شکل‌گیری جهان موجود در نظر گرفت. افزون بر این، افلاطون نظریهٔ جزء لایتجزا (= اتم) را در رسالهٔ تیمائوس مطرح می‌کند. رازی در الشکوک علی جالینوس به دفاع از این نظریه پرداخته است.^۳ بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که رازی الگوی ابتدایی نظریهٔ خود را بر جهان‌شناسی افلاطونی بنیان می‌نهد، چنان‌که آن را دریافته بود؛ و البته با تعدیل‌های در آن.

از سوی دیگر، ناصر خسرو نقل می‌کند که رازی تمام این نظریه را از استاد خویش، ابوالعباس ایرانشهری برگرفته است. ایرانشهری چهره‌ای است به نسبت ناشناخته، و از آثارش چیزی در زمانهٔ ما باقی نمانده است. ابوریحان بیرونی (متوفی پس از ۴۴۲ ق) از او به عنوان دانشمندی متبحر در علم هیئت و شناخت ادیان مختلف یاد می‌کند. شاهد دیگر، ابوالمعالی بلخی (زنده در ۴۸۵ ق) نقل می‌کند که ایرانشهری ادعای نبوت داشت، و

۱. منبع «و»: اعلام النبوة؛ ص ۱۳.

۲. برای یافتن ترجمهٔ عربی این نقل قول منبع «ی» را ببینید.

۳. منبع «ه»: الشکوک علی جالینوس.

مدعی دریافت وحی از فرشته به مانند پیامبر اسلام بود. او گزارش می‌دهد که از نظر ایرانشهری همه ادیان آموزه‌ای واحد را مطرح می‌کنند، آموزه‌ای که می‌تواند سرچشمه رویکرد عقل‌باور رازی به مسأله وحی در نظر گرفته شود. اگر ناصر خسرو در دنبال کردن ردپای جهان‌شناسی رازی تا استاد کم‌نام و نشانش محق باشد، شاید بتوانیم نظام فکری رازی را آمیزه‌ای خلاقانه از نظریه‌های ایرانشهری و افلاطون بدانیم.

اخلاق

از بحث پیشین درباره تئودیسۀ رازی احتمالاً آشکار است که آموزه‌های اخلاقی او متمرکز بر رهایی از جسم (هیولی) و دغدغه‌های آن است. اما چنان که ذکر شد، کتاب *السيرة الفلسفية* از سبک زندگی معتدل دفاع کرده و خود را یک‌سره از زهد و ترک دنیا جدا می‌کند. افزون بر این، در این کتاب رازی لذت جسمانی را مجاز می‌داند، تا زمانی که «از حد» تجاوز نکند. این «حد» نشان می‌دهد که ما باید از چه لذت‌هایی خودداری کنیم.

«... برای آن‌که از حد تجاوز نکنند باید ایشان را بر آن داشت که از لذاتی که رسیدن به آن‌ها جز به ارتکاب ظلم و قتل میسر نشود، و اموری که موجب تحریک غضب خداوند و مخالف حکم عقل و عدل است خودداری نمایند. از این نوع گذشته، طلب سایر لذت‌ها روا است.»^۱

از سوی دیگر، در طب روحانی به نظر می‌رسد که رازی دیدگاهی خوشایند نسبت به لذت‌ها ارائه نکرده؛ و توصیه‌هایی را برای مقاومت در برابر جذابیت طعام، اشربه، مجامعت و تجمل ارائه می‌کند. نکته‌ای که در هر دو کتاب بیان شده این است که لذت بردن از چیزهایی که در درازمدت بیش‌تر از لذت، رنج دارند، مانند پرخوری، نقض عقل است. رازی در طب روحانی داستان مردی را بیان می‌کند که رازی او را به خاطر خوردن یک بشقاب خرما توبیخ کرده، و به او هشدار می‌دهد که این کارش باعث بیماری می‌شود، و لذا «دردی چند برابر لذتی که تجربه کردی خواهی داشت».^۲

برای تبیین موضع رازی درباره مسأله «لذت» دو تفسیر پیشنهاد شده است. به نظر

۱. منبع «الف»: *السيرة الفلسفية*؛ ص ۷-۱۰۶. ۲. همان، ص ۷۱.